

بسم الله الرحمن الرحيم

واقعیت کشمکش بین‌المللی برای نفوذ در الجزایر از چه قرار است؟

(ترجمه)

پرسش

در سرزمینی که تمام مردم آن مسلمان اند؛ سرزمینی که در جهادش علیه اشغال فرانسه، که ۱۳۲ سال به درازا کشید، یک میلیون شهید داد، در این سرزمین به تاریخ ۲۲ فبروری ۲۰۱۹م اعتراض‌های مردم بالا گرفت و پرده‌ترس از حکام ستم‌گر الجزائر را درید و تا کنون ادامه دارد. اما در این اعتراض‌ها فریاد اسلام‌خواهی شنیده نمی‌شود، دلیل آن چیست؟ و این که واقعیت کشمکش بین‌المللی برای نفوذ در الجزائر از چه قرار است؟ و آیا این کشمکش‌های بین‌المللی در اتفاق‌های اخیر نقشی دارد و سرانجام این که در مورد آینده الجزایر چه پیش‌بینی می‌کنید به ویژه در مورد انتخابات پیش‌رو؟

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ، امور زیر را مرور می‌کنیم:

اول) دلایل عدم اسلام‌خواهی در اعتراض‌ها:

۱. بلی، الجزایر سرزمین اصیل اسلامی است و این واقعیت زمانی ثابت گردید که دولت در اوایل دهه نهم سعی نمود زمینه انتخاباتی آزاد و پاک را فراهم کند، نتیجه این شد که درخواست‌ها برای حاکمیت شریعت الله قاطع و فراگیر بود و توسط میلیون‌ها تن در جاده‌های الجزایر سر داده می‌شد. اروپا در واکنش سر و صداها راه‌انداخت و فرانسه هشدار داد که مداخله نظامی خواهد نمود، سپس در اوایل سال ۱۹۹۲م اروپا و فرانسه حکام الجزایر را وادار نمودند نتایج انتخابات سال ۱۹۹۱م را انکار نمایند، اردو/سپاه مداخله نمود و اوضاع را در اختیار گرفت. مهم‌ترین کمک‌ها از پایتخت ظلمت "پاریس"، که آن را به دروغ پایتخت نور می‌خواندند برای اردو/سپاه می‌رسید. سپس دستگاه استخبارات فرانسه به همکاری دستگاه امنیت داخلی، که وابسته به آن بود، جرقه‌های کشتار وحشیانه را زدند و در پی آن بود که مرحله کشتارهای به شدت شنیع دهه نهم آغاز گردید و صدها هزار تن از مسلمانان الجزایر را قربانی گرفت. سپس نظام حاکم در الجزایر از پیش و فرانسه و انگلیس از پس با بی‌شرمی و بی‌حیایی تمام، همه این کشتارها را به اسلام‌گرایان نسبت دادند و این سر و صداها را آن قدر فراگیر کردند که نظام حاکم هر قطره خون و هر کشته‌ای را به اسلام‌گرایان نسبت داد. این مرحله در حدود ده سال ادامه پیدا کرد و به نام "دهه تاریک" نام‌گذاری گردید و حکومت با هشدارها و تهدیدهای پی‌هم در خصوص اسلام‌خواهی، ترسی را در دل مردم انداخت و جو را طوری ساخت که هرکس فریاد اسلام‌خواهی را سر دهد، در حقیقت در پی برگرداندن "دهه تاریک" است! رسانه‌های فرانسه بیرق این ترس و وحشت‌افگنی را در دست گرفت. اسلام‌هراسی تبدیل به ابزاری شد که حکام پاریس از آن برای اغوای مردم استفاده می‌نمودند و رفته‌رفته این اسلام‌هراسی فرانسه و اروپا از تحرکات الجزایر در صورت اسلام‌خواهی، به نظام حاکم در الجزایر انتقال یافت، چنان‌چه «جریان‌های نزدیک به مراجع تصمیم‌گیرنده فضای کشور را طوری ساخته اند که انگار قرار است اسلام‌گرایان به زودی علیه سکولران دست به

کودتا زده و روی ویرانه‌های نظام سکولریستی و در صورت نیاز روی اجساد سکولران، دولت اسلامی را بنا خواهند نمود». (منبع: روزنامه اندپندنت ۲۱ مارچ ۲۰۱۹) به این ترتیب، نظام حاکم مردم را هرازگاهی در مورد "وحشت اسلام بنیادگرا" هشدار می‌دهد؛ اسلامی که انگار همیشه آمادۀ خون ریزی است! در حالی که این خود نظام حاکم است که پیوسته مسلمانان را دنبال نموده و خون‌ریزی می‌کند، چنان‌چه «نیروهای امنیتی الجزایر به علی بلحاج که یک تن از مخالفان مشهور و مؤسسین "جبهۀ اسلامی نجات" بود، حمله نموده و وی را در یکی از جاده‌های شهر از بین برد.» (منبع: عربی ۲۱، ۲۳ فروری ۲۰۱۹م) یعنی در دومین روز آغاز اعتراض‌ها در الجزایر.

۲. دلیل دوم عدم اسلام‌خواهی در اعتراض‌های الجزایر، جنگی‌ست که امریکا به بهانه تروریزم علیه اسلام راه‌اندازی نموده و "تروریزم اسلامی" را شعار بزرگ آن قرار داده و حرکت‌ها، احزاب، انجمن‌ها و شخصیت‌های مخلص اسلامی را به این بهانه هدف قرار می‌دهد و رمزهای اسلامی، مانند لوا و رایه آن را به عنوان نشانه‌های جرم و جنایت جلوه داده است و کسانی را که به احکام شریعت اسلامی پایبندی نشان می‌دهند، تندرو و تروریست خطاب می‌کند. تمام این موارد است که به نوبه خود بالای روی کرد تحرکات مردمی و خواسته‌ها و شعارهای شان در الجزایر تأثیر گذاشته است.

۳. دلیل دیگری که مانع ظهور اسلام‌خواهی در تحرکات الجزایر شده، موقف‌گیری‌های چند جانبه بعضی از جریان‌هایی است که رنگ و بوی اسلامی داشته و جریان‌های اسلامی "میان‌رو" نام گرفته‌اند. این جریان‌ها گاهی خود اپوزوسیون می‌نامند و گاهی در حاکمیت سهم گرفته و در پست‌ها، موقف‌ها و چوکی‌های پارلمانی مستقر می‌شوند. این موقف‌گیری جریان‌های مذکور بالای توده‌های زیادی از مردم، به ویژه کسانی که به آنان اعتماد کرده بودند که بر اساس اسلام عمل خواهند نمود، تأثیر گذاشته، زیرا بعداً متوجه شدند که با نظام حاکم هم‌کاری و هم‌سویی دارند. مهم‌تر از آن این که جریان‌های مذکور به برخی از احکام شرعی پایبندی نشان ندادند، مانند حرام بودن قانون‌گذاری وضعی در پارلمان‌ها و حرام بودن مشارکت در نظام‌هایی که هیچ چیزی از اسلام در آن‌ها دیده نمی‌شود. این امور توده زیادی از مردم الجزایر را به جایی کشانیده که در تحرکات خویش علیه دولت، از اسلام یاد نمی‌کنند.

۴. خلاصه این که بحران الجزایر یک بحران بین‌المللی بوده و غرب به ویژه فرانسه، با تمام توان سعی دارد نفوذ خود را در آن از طریق نشر فرهنگ سکولریستی گسترش دهد و با برجسته نمودن طرف‌داران خودش در تحرکات، که مطمئناً سکولارهاستند، می‌خواهد نفوذ سیاسی خود را در الجزایر استحکام بخشد. لازم به یادآوری است که طرف‌های بین‌المللی درگیر در الجزایر همه بر مغشوش کردن هویت اسلامی الجزایر و برجسته نمودن صفت سکولریستی دولت توافق نظر دارند.

این دلایل عمیق و اساسی است که زمینه ظهور صفت سکولریستی را در تحرکات مردمی الجزایر فراهم نموده که همه در پس نیرنگ، گمراه‌سازی، خباثت سیاسی غرب و مزدوران آن قرار دارد. هرچند ممکن است غرب موفق شود ظاهراً از بروز رنگ و بوی اسلامی در این تحرکات جلوگیری نماید، اما واقعیت این است که اسلام در اعماق دل‌های مردم الجزایر ریشه دارد؛ مردمی که شهدای میلیونی تقدیم اسلام نموده‌اند و مطمئناً دیری نخواهد گذشت به خواست الله سبحانه و تعالی، آفتاب اسلام در این سرزمین طلوع خواهد نمود و این طلوع برای کسانی که انتظار آن را دارند بسی نزدیک است. الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [طلاق: ۳]

ترجمه: الله فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و الله برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!

دوم) در مورد کشمکش بین المللی در الجزایر باید گفت:

۱. در خصوص انگلیس و فرانسه:

الف) انگلیس از زمان انقلاب "بومدین" در سال ۱۹۶۵ م پیوسته در الجزایر نفوذ مستحکم دارد، که هرازگاهی با مداخلات فرانسه همراه بوده. اما پس از آن که رئیس شاذلی در سال ۱۹۹۳ م، خالد نزار، مزدور فرانسه را از سمت وزارت دفاع برکنار نمود، نفوذ فرانسه در داخل اردو/سپاه اندک‌اندک رو به ضعف گذاشت تا این که سر نزدیک به وابسته گی "فرهنگ نظامی" و دنباله‌روی سیاسی رسید. بوتفلیقه، که به وابسته‌گی اش به انگلیس معروف است، در جریان حکومت خویش از سال ۱۹۹۹ همواره سعی داشت مداخلات فرانسه را به تدریج و بدون سر و صدا معالجه کند. موضوع دور کردن نفوذ فرانسه از دستگاه‌های دولت بیشتر به رقابت ورزشی شباهت داشت، یعنی هیچ نشانه‌ای از داغ شدن موضوع در نزد دو طرف به چشم نمی‌خورد، اما زمانی که بوتفلیقه به تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۵ م محمد مدین معروف به ژنرال توفیق رئیس کل استخبارات را کنار زد، ضربه دزدناکی به نفوذ فرانسه در الجزایر وارد شد، زیرا قبلاً نفوذ فرانسه به گونه گسترده‌ای در اردو کاهش داده شده بود و فرانسه تنها بالای دستگاه استخبارات، به عنوان یگانه دستگاه امنیتی زیر نفوذ خویش در الجزایر تسلط داشت. این ضربه دزدناک به نفوذ فرانسه در حقیقت بر افروختن آتشی بود که زیر خاکستر روابط ظاهری نفوذ دو طرف در الجزایر قرار داشت.

ب) دو زمینه فراهم گردید که سبب شد رقابت میان نفوذ انگلیس و فرانسه در الجزایر از حالت رقابت ورزشی به چیزی شبیه دست‌اندازی کشانیده شود، اگر نشود آن را مرحله شکستن سر و صورت نامید. این دو زمینه، که رقابت میان دو طرف را داغ نموده قرار ذیل است:

اول) شکاف اختلافات میان انگلیس و فرانسه با همه‌پرسی انگلیس در مورد خروج از اتحادیه اروپا "بریکزیت" در سال ۲۰۱۶ م، گسترده‌تر شد، مشخصاً در مذاکرات فرانسه به نماینده گی از اتحادیه اروپا با تریزومی، نخست‌وزیر انگلیس بود که این شکاف ظاهراً معلوم گردید، هم‌چنین در برنامه ریزی‌های جانسون، نخست‌وزیر جدید انگلیس در مورد خروج از اتحادیه و لو بدون توافق نیز شکاف مذکور روشن‌تر گردید و این ضرر بزرگی است که فرانسه متحمل آن می‌گردد. مسأله دامن زدن امریکا به بحرانش با ایران، پس از خروج از توافق هسته‌ای نیز نشانگر گستره شدن شکاف میان فرانسه و انگلیس است، زیرا در حالی که فرانسه در قضیه ایران موافقی مخالف با موقف امریکا داشت، انگلیس خود را به امریکا نزدیک می‌کرد، این اختلافات میان دو طرف رفته‌رفته بزرگ‌تر شد و این اختلافات جدید طبیعتاً روی موقف دو طرف در قضایای دیگری مانند الجزایر تأثیر گذار است.

دوم) فرانسه شروع تحرکات مردمی در الجزایر به تاریخ ۲۲ فروری ۲۰۱۹ م را فرصتی دید که باعث شده با متشنج شدن اوضاع در آن، ارکان نفوذ انگلیس نیز متزلزل شود و سعی نمود با استفاده از این فرصت، نفوذ خود را در الجزایر گسترده‌تر کند، یعنی تحرکات خودجوش مردمی باعث شد آتش خشم فرانسه علیه انگلیس، که از سال ۲۰۱۵ م پنهان مانده بود، ظاهر گردد.

ج) در نتیجه، رقابت میان انگلیس و فرانسه به مرحله "دست اندازی" رسید، چنانچه دستگاه‌های امنیتی طرحی شبیه یک کودتای نظامی برای برکناری فرمانده صالح از ریاست ارکان اردو کشف کرده و در پی آن بود که قوی‌ترین و خطرناک‌ترین مهره‌های فرانسه در الجزایر را بازداشت کردند. این مهره‌ها عبارت‌اند از محمد مدین "ژنرال توفیق" و بشیر طرطاق که هر دو قبلاً رئیس دستگاه استخبارات بوده‌اند و به تاریخ ۵ می ۲۰۱۹م بازداشت شدند. سپس لویزه حنون رهبر حزب کارگر به تاریخ ۹ می ۲۰۱۹م و سپس سعید بوتفلیقه، که به نظر می‌رسد مهره‌های فرانسه در الجزایر پس از استعفای برادرش بوتفلیقه از ریاست جمهوری او را به صف خود کشانیدند. این افراد همه «در یک محکمه نظامی جزائری در بلیده محاکمه شدند و چهارتن، که متهم به دسیسه علیه حاکمیت دولت و اردو بودند، هرکدام به ۱۵ سال حبس محکوم شدند. این احکام حضوراً به سعید بوتفلیقه و لویزه حنون رهبر حزب کارگر و فرمانده متقاعد نظامی محمد مدین ابلاغ گردید و هم‌چنین محکمه مذکور، وزیر سابق دفاع خالد نزار را غیباً به ۲۰ سال حبس محکوم نمود.» (منبع: اسکای نیوز عربی ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۹م) فرانسه به دلیل این بازداشت‌ها سر و صداهای زیادی را علیه رهبری نظامی به راه‌انداخت، چنانچه به گفته روزنامه اندپندنت انگلیس به تاریخ ۱۸ می ۲۰۱۹م، ۱۰۰۰ تن از شخصیت‌های معروف فرانسه به شمول جان مارک ایرولت، نخست‌وزیر اسبق با امضا نمودن روی برگه فراخوان آزادی، خواهان آزادی حنون شدند. روزنامه مذکور افزود: «جان لاسال نماینده حزب جمهوری در پارلمان فرانسه ابراز نگرانی نمود که این تحولات بالای منافع کشورش تأثیر خواهد گذاشت و گفت: روی کار آمدن نسل جدیدی از ضابط‌ها و ژنرال‌ها در سازمان نظامی الجزایر، با ساختارمهندسی شده قومی، منافع فرانسه در الجزایر را تهدید می‌کند، به ویژه در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی.» این اظهارات نشان‌دهنده دل‌تنگی فرانسه از این تحولات است، یعنی کشمکش حاضر دارد وارد مرحله جدیدی می‌شود که داغ‌تر به نظر می‌رسد، هر چند پله انگلیس در حکومت حاضر به کمک رئیس ارکان اردو سنگین‌تر است.

۲. تلاش‌های امریکا برای ورود به ساحه بحران الجزایر:

رسانه‌های امریکا تلاش نموده بعضی از شخصیت‌های تحرکات مردمی را برجسته کند، مانند کریم طابو سرمنشی عمومی جبهه نیروهای مشترک. تلویزیون "الحره" امریکا به تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۹م کریم را "چهره برتر تحرکات مردمی" خواند و کلیپ‌های ویدیویی را از وی منتشر نمود که در حال رهبری نمودن تظاهراتی در پایتخت الجزایر و در ضمن تحرکات مردمی است. این تلویزیون به قول خودش "مخالفان واقعی نظام را برجسته می‌کند و نه مانند سایر احزاب"، احتمالاً این خود اشاره‌ای است به این که امریکا در تحرکات مردمی الجزایر با چنین فعالانی در ارتباط است. البته دستگاه‌های امنیتی الجزایر این فعال و افراد دیگری مانند او را بازداشت نموده و آنان را متهم به "تضعیف نمودن روح معنوی اردو/لشکر" کرده. به فرض این که امریکا با بعضی از چهره‌های برتر تحرکات مردمی الجزایر ارتباط داشته باشد، که چنین انتظار هم می‌رود، اما توانائی و موقف چنین کسانی تا کنون به حدی نرسیده که بتوانند بالای زنده گی سیاسی در الجزایر تأثیرگذار باشند و اهداف امریکا را برآورده نمایند، زیرا امریکا تا کنون نتوانسته به داخل اردو یا سازمان‌های دولتی نفوذ نماید.

بنابر این، می‌توان گفت که کشمکش در الجزایر میان امریکا و اروپا نه، بلکه میان انگلیس و فرانسه است و انگلیس با جدیت تمام سعی دارد بال و پر فرانسه را در میدان ساختار نظامی الجزایر کوتاه کند. تلاش‌های امریکا برای متزلزل نمودن نقش اروپا در الجزایر ناکام بوده، اما مجموعه حاکم در الجزایر نگران‌اند که بحران موجود "تحرکات مردمی" به درازا کشد و امریکا بتواند با استفاده از

آن نظم موجود را متزلزل نموده و به هدفی که سال‌هاست دنبال آن می‌باشد، دست یابد. هم‌چنین ممکن است فرانسه نیز از به درازا کشیده شدن این تحرکات برای فعال نمودن اتباع خودش و زمینه‌سازی برای آنان استفاده کند.

سوم) در مورد نتایج احتمالی انتخابات و انتظاراتی که وجود دارد باید گفت:

۱. انگلیس و دستگاه حاکم فعلی در الجزایر و رهبری اردو توانسته اند افراد وابسته به فرانسه را به گونه گسترده‌ای از دستگاه‌های دولت دور کنند و اینک منظومه مذکور تلاش دارند انتخابات را زودتر برگزار نمایند تا مبادا شرایط به وجود آمده از دست برود، به ویژه که تحرکات مردمی هنوز در جریان است. قاید صالح در اظهاراتی گفت: «پیش از این در مورد نیاز به تسریع برگزاری انتخابات صحبت می‌کردیم، اما امروز کاملاً متیقن شده‌ایم که این انتخابات در زمان تعیین شده برگزار خواهد شد.» (منبع: اندپندنت ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹م) وی هم‌چنین خواستار اتخاذ موقف واضح و روشن شده گفت: «مرحله کنونی می‌طلبد که همه موقف واضح و روشنی داشته باشند، یا باید در کنار الجزایر قرار گیریم و یا در کنار دشمنان آن، در شرایط موجود نباید عصا را از وسط آن گرفت» (منبع: اندپندنت ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹م) این اظهارات نشان می‌دهد که منظومه حاکم وابسته به انگلیس تلاش دارد اوضاع را با عجله یک طرفه کند، زیرا به نظر می‌رسد امور تقریباً به نفع آنان جریان دارد. اما فرانسه و طرفداران آن با برگزاری انتخابات مخالفت نشان می‌دهند و یا تمایل دارند آن را تا فراهم شدن شرایط مناسب به تأخیر اندازند، اما این خواست‌شان را علناً اظهار نمی‌کنند، بلکه به گونه دیپلماتیک و این که مردم الجزایر خود در مورد سرنوشت کشور خویش تصمیم می‌گیرند.

۲. دستگاه حاکم سعی دارد در انتخابات پیش رو دو کاندید از وابسته‌گان خود را با تغییر چهره معرفی نماید، «علی بن فلیس و عبدالمجید تبون که هردو قبلاً نخست‌وزیر بودند روز پنج شنبه اعلان کردند که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۲ دسامبر نامزد خواهند بود.» (منبع: رویترز ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۹م) این دو چهره و چهره‌های امثال آنان کسانی هستند که دستگاه حاکم به آنان اعتماد دارند، هرچند بعضی از آنان در حال حاضر نقش مخالف دولت را بازی می‌کنند، مانند علی بن فلیس رهبر حزب پیشگامان آزادی طوری وانمود می‌کند که انگار رهبر یک حزب مخالف است و خواستار تغییر بن فلیس رهبر این حزب در میان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳م نخست‌وزیر حکومت بوتفلیقه بود، یعنی منظومه حاکم قصد دارد نظام را با چهره‌های تقریباً جدید برپا کند به امید این که مردم الجزایر فریب آن را بخورند و به این ترتیب تحرکات مردمی پایان یابد.

۳. اما ظاهراً جریان‌های گسترده تحرکات خودجوش مردمی مخالف با برگزاری انتخابات زیر سایه نظام حاکم، به مراتب نسبت به طرفداران نظام و یا کسانی که خود را جریان‌های مخالف می‌نامند و ممکن است انتخابات را تأیید کنند، قوی‌تر به نظر می‌رسند، که این باعث می‌شود اوضاع به جانب یکی از این دو احتمال به پیش رود:

- یا این که دستگاه حاکم موجود وادار شود انتخابات را در لحظه اخیر به تأخیر اندازد، چنان‌چه در انتخابات ۱۸ اپریل ۲۰۱۹م اتفاق افتاد.

- یا این که انتخاباتی بسیار ناقص برگزار گردد، طوری که تحرکات مردمی هم‌چنان جریان داشته باشد انگار که انتخاباتی نبوده، حتی اگر بعضی‌ها از روند تحرکات مردمی کنار روند، اما در چنین صورتی شرایط برای اعمال خشونت توسط حکومت به هدف

متوقف نمودن تحرکات آماده خواهد بود، زیرا حکومت ادعا خواهد نمود که رئیس جمهور قانونی انتخاب گردیده و لازم است همه به تصامیم وی پایبند باشند! به این ترتیب اوضاع میان زد و خوردها ادامه خواهد یافت.

۴. به این ترتیب تحرکات موجود به هیچ وجه تغییری واقعی و یا بیداری مؤثری را در پی نخواهد داشت، زیرا این تحرکات هرچند به گونه خودجوش آغاز شد، اما مداخله های انگلیس و فرانسه در آن و همچنین دنباله روان و وابسته گان شان باعث شده این تحرکات مؤثریت خود را از دست بدهد، چنان چه قرار گرفتن رهبری اردو در کنار نظام نیز برملا گردید، بلکه حتی روشن شد که جزء اصلی که امر و نهی می کند خود همین رهبران اردو استند و این بدان معنی است که نمی توان هیچ تغییری در الجزایر رونما نمود؛ مگر زمانی که اردو/لشکر خود را وابسته به اسلام این مردم اصیل بداند و این کار در صورتی ممکن و قابل تحقق است که سران ژنرال های مزدور انگلیس و غرب کنار زده شوند و زمینه در اختیار گرفتن امور اردو برای گروه مخلص نظامی فراهم گردد و سپس آنان به تغییر واقعی نصرت دهند که مبتنی بر اساس اسلام بوده و امت اسلامی به جانب آن روان است. این بدان معنی نیست که نظامیان حکومت را در دست گیرند، بلکه به این معنی است که نظامیان اهل نصرت واقعی شوند و زمینه به قدرت رسیدن رهبری واقعی را فراهم آورند که امت سخت در انتظار آن به سر می برد تا تغییر فراگیر را رو نما کند؛ تغییری که با از سرگیری زنده گی اسلامی و برپائی خلافت راشده واقعی رو نما خواهد شد؛ خلافتی که امت را بیدار و سرزمین های مرده را زنده خواهد نمود و زیر سایه آن به حالتی بر خواهیم گشت که الله سبحانه و تعالی برای ما لازم دیده و آن این که:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ [آل عمران: ۱۱۰]

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به الله ایمان دارید...

﴿وَبَوْمَدٍ يُفْرَخُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ ۗ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: ۴-۵]

ترجمه: و در آن روز است که مؤمنان از یاری الله شاد می گردند. الله هر که را بخواهد یاری می کند و

اوست شکست ناپذیر مهربان!

۴ صفر ۱۴۴۱ هـ.ق

۳ اکتوبر ۲۰۱۹ م

مترجم: عبدالله دانشجو